

بازخوانی پاداش اخروی مومنان در خوانش تفاسیر عصری*

حجت علی نژاد**

محسن نورائی***

چکیده

تفسیر آیات حاوی حوزه پاداش‌های اخروی مؤمنان که در آیات متشابه بیان شده همواره یکی از دغدغه‌های مفسران بوده است. مفسران دیدگاه‌های متنوعی را ارائه داده‌اند. بازخوانی موضوعی آیات این حوزه در نگاه مفسر عصری باعث فهمی عمیق می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی یافته‌های ذیل درباره پاداش‌های مؤمنان حاصل گردید: ضمانت خداوند بر تحقق پاداش مومنان، پاداش‌ها و برکاتی اختصاصی برای مؤمنان، امید بخش‌ترین وعده‌ها و حیرت‌انگیزترین پاداش‌ها مخصوص مؤمنان، عدم زوال پاداش‌های مؤمنان، رضایت خداوند نهایت پاداش‌ها، مؤمنان شاهدان روز قیامت، و امنیت، هدایت، آرامش قلبی و ثبوت قدم نتیجه ایمان مؤمنان، بهشتی به وسعت آسمان‌ها و زمین پاداش مؤمنان و دعای ملائکه حامل عرش برای مؤمنان. خداوند پاداش‌هایی به مؤمنان می‌دهد که اختصاص به آنها دارد و ایشان را به سعادت در دنیا و عزت در آخرت می‌رساند که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده است.

کلید واژه: بازخوانی موضوعی، پاداش‌های اخروی، مؤمنان، تفسیر عصری

* تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۳

** دانشجوی دکتری علوم و قرآن و حدیث دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) alinegad.hojjat@gmail.com

mnouraei@umz.ac.ir

*** دانشیار گروه علوم و قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

۱- مقدمه

در قرآن کریم به پاداش‌های خداوند برای افراد مختلفی اشاره شده است؛ این پاداش‌ها به دو نوع دنیوی و اخروی، یا به عبارتی دیگر به پاداش‌های مادی و معنوی تقسیم می‌شوند. در هر سیستم صحیح تربیتی، پاداش در کنار تنبیه وجود دارد و هر یک به تنهایی کارایی و ایجاد انگیزه لازم را ندارند. قرآن کریم نیز از این راهبرد منطقی سود جسته و به تنبیه در کنار پاداش نیز اشاره نموده است. آیات فراوانی در حوزه پاداش اخروی است که به افراد مختلف تعلق می‌گیرد. مانند مؤمنین، متقین، ابرار و سایر نیکوکاران. از طرفی دیگر، یکی از ویژگی‌های تفسیر در عصر حاضر، گسترش دامنه تفسیر موضوعی است؛ تفسیر موضوعی به معنای فراهم آوردن آیات مشابه در لفظ و محتوا و هم مضمون است که مجموع آنها در یک جا دسته‌بندی و درباره آن بحث و بررسی شود. (علوی‌مهر، ۱۳۸۴: ۳۶۵) و تنها به موضوعات مطرح شده در قرآن توجه نموده و به تفسیر و تبیین و دسته‌بندی و جمع آن پرداخته است و از مجموع آنها نظر قرآن درباره ابعاد آن موضوع روشن گردد. (معرفت، ۱۳۷۹: ۵۲۷/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۹/۱؛ سبحانی، ۱۴۲۸: ۱۱/۱) مفسران عصری درصدد هستند تا تفسیر قرآن کریم را با نگرشی روزآمد و سبکی جدید که با نیازهای جامعه اسلامی در عصر کنونی متناسب است و با عباراتی زیبا و محکم و دلایلی متین و معقول بیان نمایند، بدون اینکه از دستاوردهای مفسران گذشته غفلت ورزند. تا منجر به تفسیری جامع و کامل و پاسخگو به پرسش‌های نسل جدید مخصوصاً حوزه آیات پیرامون پاداش‌های اخروی مومنان باشند. در نگاه مفسران عصری تلاش شده تا نواندیشی و بازخوانی مجددی در تفسیر قرآن کریم برای تبیین دیدگاه‌های قرآن در حوزه آیات متشابه علی‌الخصوص آیات حوزه پاداش‌های اخروی مؤمنان به طوری که پاسخگو به شبهات و اشکالات عصر و سازگار با حکم عقل سلیم و موافق با میل و خواست مخاطب عصر خود

و با بهره‌گیری از روایات معصومین(ع) و در عین حال خالی از تحمیل دیدگاه‌ها بر قرآن باشد، صورت گیرد. بر همین اساس، مقاله حاضر صرفاً بر پاداش اخروی مومنان از منظر مفسران عصری -از آغاز قرن چهاردهم هجری تاکنون- تمرکز نموده و می‌کوشد تا با بررسی موضوعی آیاتی که محتوای آن پاداش مؤمنان می‌باشد، شاخص‌ترین محورهای برجسته شده در نگاه مفسران عصری را استخراج، دسته‌بندی و تحلیل نماید. لازم به ذکر می‌باشد که مقصود از مومنان در این پژوهش، کسانی هستند که از آنان با تعبیری چون مومن و دیگر مشتقات از همین ماده یاد شده است؛ لذا متقین، ابرار و سایر نیکوکاران از حوزه بحث ما خارج است. درباره پاداش‌های اختصاصی خداوند به مؤمنان تألیف یا پژوهشی مستقل، یافت نمی‌شود به جز اینکه مفسرین در تفاسیرشان، به تفسیر آیه همان سوره بسنده نموده‌اند، لکن همه آیات این حوزه را به صورت موضوعی استخراج، دسته‌بندی، تفسیر و تحلیل نموده‌اند.

در بازخوانی نگاه مفسران عصری به پاداش‌های اخروی مؤمنان، می‌توان گفت که در تفاسیرشان ویژگی‌هایی برجسته یافت می‌شود که تاکنون به این ویژگی‌ها توجهی نشده یا توجه‌شان اندک بوده است؛ ویژگی‌های برجسته پاداش اخروی مؤمنان از منظر مفسران عصری عبارتند از:

۲- ضمانت خداوند بر تحقق پاداش مومنان

خداوند بلند مرتبه در تحقق وعده پاداش به مومنان، ضمانت آن را خود برعهده گرفته است. این ضمانت الهی موجب دلگرمی مایه روشنی چشم مؤمنان است. و هیچ تخلف و تغییری در وعده ثواب خداوند نیست. به عنوان مثال بر اساس آیه شریفه: «لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (یونس/۶۴)، اینکه فرموده: «لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ» اشاره‌ای است به اینکه این بشارت، قضای حتمی الهی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰/۱۳۶) واژه «الْبُشْرَىٰ» به صورت مطلق ذکر شده و لذا انواع

بشارت‌ها را شامل می‌شود و هر گونه بشارت حتی بشارت‌های کوچک نیز در این مفهوم نهفته می‌باشد.

هم چنین در آیه شریفه: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ» (توبه/۱۱۱)، خداوند خود وعده پاداش مؤمنان را ضمانت فرموده و وعده قطعی داده (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۹۵/۹) که باز گشت و تردید در آن وجود ندارد. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۱۱۷/۱۱؛ خطیب، بی تا: ۹۰۰/۶) و تأکید نموده است که کسی با وفاتر از خداوند در وفای به عهد وجود ندارد. و در آخر مؤمنین را به این معامله بشارت داده و به رستگاری عظیمی تهنیت گفته است.

۳- پاداش‌ها و برکاتی، اختصاصی برای مؤمنان

خداوند در آیاتی از قرآن کریم که درباره پاداش مؤمنان، به نزول فراوان پاداش‌ها و برکات، مختص مؤمنان، اشاره می‌کند که برای آنها نزد پروردگارشان درجات و پاداش‌هایی اختصاصی است که برای دیگران نیست و این بالاترین فضیلت از فضائل انسانی بشمار می‌رود.

خداوند پاداش مؤمنین را گاهی با وصف: «أَجْرٌ عَظِيمٌ» مانند آیه شریفه: «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (آل عمران/۱۷۹) ذکر می‌کند؛ پاداشی بزرگ که توانایی شناخت و رسیدن به کنه فهم آن برای ما امکان‌پذیر نمی‌باشد.

با توجه به آیه شریفه: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ» (اعراف/۹۶) به نظر می‌رسد منظور از: «برکاتی از آسمان و زمین»، استعاره از بی حساب و غیرقابل شمارش پاداش‌ها باشد. (سیدقطب، ۱۴۱۲: ۱۳۳۹/۳؛ مراغی، بی تا: ۱۵/۹؛ ابن عاشور، بی تا: ۲۱۰/۸) پاداش‌هایی که قابل تفصیل و تحدید نباشد. (ملاحویش، ۱۳۸۲: ۶۳۱/۵) بنابراین در معنای برکات، کثرت، خیر و فزونی بی‌شمار وجود دارد.

گاهی نیز خداوند پاداش مؤمنان را با واژه: «رحمت» بیان می‌کند و می‌فرماید: «أَوَلَيْكَ سِرِّرَحْمَتِهِمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه/۷۱) واژه رحمت مفهومی بسیار وسیع دارد که هر گونه خیر و برکت و سعادت را در این جهان و جهان دیگر، در برمی‌گیرد. به عنوان مثال در آیه شریفه: «فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ» (نساء/۱۷۵) که مفسرین عصری پاداش مؤمنان، داخل شدن در رحمت خداوند را، به بهشت تفسیر نموده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵۲/۵؛ حسینی، ۱۳۶۳: ۶۶۸/۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۵۲/۶؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۴۸۷/۳) گاهی نیز از رحمت، به ثواب (مغنیه، ۱۴۲۴: ۲۵۸/۷) و گاهی به امیدوار بودن به لطف (امین، ۱۳۶۱: ۲۴۲/۱۳؛ ملاحویش، ۱۳۸۲: ۲۲۳/۶؛ ابن عاشور، بی‌تا: ۲۰۴/۲۶؛ مراغی، بی‌تا: ۱۲۳/۲۶؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۵۳۰/۸) در ذیل تفسیر آیه شریفه: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات/۱۰) تفسیر شده است. هم چنین با توجه آیه شریفه: «يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَءَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ» (حدید/۲۸) پاداش خاص مؤمنین را از رحمت خود چند برابر اعطاء می‌کند.

گاهی نیز خداوند پاداش مؤمنان را با واژه: «فَضْلٌ» بیان می‌کند و می‌فرماید: «وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا» (احزاب/۴۷) فضل از نظر لغوی یعنی زیاده از نیاز کسی به او اعطا نمودن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۹/۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴۴۲/۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳۰/۱۶) و این فضل خداوند بر مؤمنان، زیادی است بر آنچه که مستحق آنند. و چون همراه صفت: «کَبِيرًا» نیز توصیف شده، لذا می‌توان گفت که ابعاد فضل کبیر الهی از آنچه در وهم و تصور بگنجد دورتر و فراتر می‌برد. هم چنین با توجه به واژه بشارت این نکته را می‌رساند که خداوند آن قدر از فضل خود به آنها می‌بخشد که موازنه میان عمل و پاداش را به کلی بر هم می‌زند. یکی دیگر از مصادیق فضل به عنوان پاداشی برای مؤمنان در آیه شریفه: «فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي

رَحْمَةً مِّنْهُ وَ فَضْلٍ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا» (نساء/۱۷۵) به وارد کردن مؤمنان در مرتبه‌ای از مراتب بهشت که فوق عمل آنها است. (حسینی، ۱۳۶۳: ۶۶۸/۲) و بالاترین درجه خیر (مدرسی، ۱۴۱۹: ۲/۲۷۰) تفسیر شده است. که خداوند آن را به غیر نمی‌بخشد که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده است. (زحیلی، ۱۴۲۲: ۱/۴۲۲؛ مراغی، بی‌تا: ۳۷/۶)

هم چنین با توجه به آیه شریفه: «وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ لَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء/۱۵۲) اگرچه در این آیه شریفه خداوند فرموده که اجر و پاداش آنها را می‌دهیم در برابر ایمانی که آوردند مستحق آن هستند، لیکن همه اجرهای خداوند مزید و زیاده بر استحقاق است. به دلیل این که ایمان مؤمنین هیچ نفعی برای خداوند ندارد که بخواهد با مؤمنین معامله کند و در برابر ایمانشان، اجر و پاداششان را بپردازد. به علاوه، کلمه: «سَوْفَ» برای تأکید و اشاره به آن است که اجر کامل مؤمنین در قیامت است و کلمه اجور در این آیه شریفه و آیات مشابه (محمد/۳۶) با توجه به این که به صورت جمع آمده، نشان می‌دهد که پاداش‌های مؤمنان را علاوه بر این که به طور کامل و شایسته می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۱/۴۹۳؛ ملاحویش، ۱۳۸۲: ۶/۳۳؛ طنطاوی، بی‌تا: ۱۳/۴۸) بلکه، این پاداش‌ها فراتر از استحقاق شان بوده و انواع پاداش‌ها و نعمت‌ها را شامل می‌شود. و از دو واژه «غُفُورًا رَحِيمًا» در پایان آیه، چنین فهمیده می‌شود که علاوه بر این که پاداش مؤمنان را می‌دهد، خداوند به واسطه رحمت و واسع‌اش، از روی احسان پاداش آنان را از آنچه وعده داده بود، چند برابر می‌کند و به علاوه گناهان آنان را نیز می‌آمرزد. (امین، ۱۳۶۱: ۴/۲۱۰؛ مراغی، بی‌تا: ۸/۶)

۴- امید بخش‌ترین وعده‌ها و حیرت‌انگیزترین پاداش‌ها، مخصوص مؤمنان

خداوند برای مؤمنان، پاداش‌هایی اختصاصی قرار داده که از امیدبخش‌ترین و حیرت‌انگیزترین وعده‌های خداوند خاص مؤمنان است؛ برای آنها نزد پروردگارش درجات و مقاماتی است که برای دیگران نیست و این بالاترین فضیلت از فضائل انسانی به شمار می‌رود.

به عنوان مثال در آیه شریفه: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يُتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا. وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ». (طلاق/۳-۴) خدای تعالی برای مؤمن راه نجاتی از تنگنای مشکلات زندگی فراهم (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۴/۱۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳۴/۲۴؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۶۲/۱۶؛ ملاحویش، ۱۳۸۲: ۷۹/۶) و سعادت دنیایی‌اش را تأمین می‌کند و از راهی که خود او احتمالش را هم ندهد و توقع‌اش را نداشته باشد، روزی می‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۴/۱۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۵۵۸/۱؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۵۷۲/۱) بعضی از مفسرین منظور از: «يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» را، سكرات هنگام مرگ (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۴۲۳/۱۶) نجات از اندوه دنیا و آخرت (حسینی، ۱۳۶۳: ۲۰۸/۱۳؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۵۰۱/۴؛ مراغی، بی‌تا: ۱۴۱/۲۸؛ سیدقطب، ۱۴۱۲: ۳۶۰/۶؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۲۵۶/۹) تفسیر نموده‌اند.

از انواع دیگری از پاداش‌هایی حیرت‌انگیز خاص مؤمنان، قرار دادن وسیله تشخیص حق از باطل یا خیر از شر، پوشاندن سیئات و آمرزش آنها می‌باشند که در آیه شریفه: «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (انفال/۲۹) به آن اشاره شده است. از فرقان به هدایت و نور (حسینی، ۱۳۶۳: ۳۲۹/۴؛ طنطاوی، بی‌تا: ۸۳/۶) قوه تشخیص (قرشی، ۱۳۷۷: ۱۱۸/۴؛ خسروی، ۱۳۹۰: ۴۱۹/۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴۱/۷؛ خطیب، بی‌تا: ۵۹۵/۵) نور و هدایتی خاص (مغنیه، ۱۴۲۴: ۴۷۰/۳؛ مغنیه، بی‌تا: ۲۳۱/۱؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۳۷/۳) نورانیت باطنی (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۳۲۳/۹؛ مراغی، بی‌تا: ۱۹۶/۹) و پیروزی (قاسمی، ۱۴۱۸: ۲۸۰/۵)، تفسیر شده است.

از دیگر پاداش‌ها عنایات ویژه برای مؤمنان، اصلاح اعمال و آمرزش گناهان آنان می‌باشد؛ در آیات شریفه: «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا. يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (احزاب/۷۱-۷۲) اصلاح اعمال و مغفرت ذنوب را از نتایج

ایمان مؤمنان معرفی می‌کند. یعنی به مؤمنان توفیق انجام اعمال صالح را بوسیله «قول سدید» و آموزش گناهان می‌دهد. (حسینی، ۱۳۶۳: ۴۹۷/۱۰) اصلاح اعمال و آموزش گناهان، از پاداش‌ها و عنایات ویژه ای و دو خصلت نیکو برای مؤمنان است؛ چون گفتار حق یکی از عوامل مؤثر اصلاح اعمال، و اصلاح اعمال سبب آموزش گناهان و بالا بردن صاحبش به اعلیٰ علیین است. (زحیلی، ۱۴۱۸: ۱۲۳/۲۲؛ مراغی، بی‌تا: ۴۵/۲۲)

یکی دیگر از امید بخش‌ترین آیاتی که خداوند در آن پاداش‌هایی ویژه و اختصاصی برای مؤمنین قرار داده در آیه شریفه: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله/۱۱) می‌باشد؛ این آیه شریفه مبنی بر رفعت مقام و تکریم اهل ایمان و دانشمندان مؤمن در دنیا و آخرت می‌باشد. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲۳۰/۱۶؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۵۵۷/۱؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۳۸/۲۸) این رفعت مقام باعث قرب آنها به خداوند متعال می‌باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸۸/۱۹؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۶۹/۱۱) خداوند مقام اهل ایمان و دانشمندان را در دو جهان به درجات بسیاری بر مردمان دیگر برتری داده (بروجردی، ۱۳۶۶: ۹۱/۷، خسروانی، ۱۳۹۰: ۲۲۸/۸ ابن عاشور، بی‌تا: ۳۷/۲۸؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۷۱/۹) درجاتی است فوق ایمان آنها (امین، ۱۳۶۱: ۱۹۲/۱۲) درجات بسیاری در ثواب و مراتب بهشتی (مراغی، بی‌تا: ۱۷/۲۸) تعبیر به «درجات» به صورت نکره و با صیغه جمع، اشاره به درجات عظیم و والایی است که خداوند به این گونه افرادی که علم و ایمان را تواما دارا هستند می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴۴/۲۳)

یکی دیگر از آیاتی در این زمینه، آیه «أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (انفال/۴) می‌باشد. منظور از درجات در این آیه، مراتب قرب به خدا می‌باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲/۹؛ طیب، ۱۳۷۸: ۷۷/۶) هم چنین در این آیه به دو مورد از پاداش‌های مؤمنان (مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ) اشاره شده که مغفرت به معنای گذشت الهی از گناهان است، و رزق کریم، نعمت‌های بهشتی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲/۹؛ مغنیه،

۱۴۲۴: ۳/۴۵۰؛ ملاحویش، ۱۳۸۲: ۵/۲۷۶؛ حجازی، ۱۴۱۳: ۱/۸۰۵؛ طنطاوی، بی‌تا: ۳۲/۶؛ آل سعدی، ۱۴۰۸: ۱/۳۵۷)

یکی دیگر از امیدبخش‌ترین وعده‌هایی که خداوند به مؤمنان اختصاص داده، تحیت و سلام از ناحیه او و از ناحیه ملائکه به مؤمنان در آیات شریفه: «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا. تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا» (احزاب/۳۳-۴۴) می‌باشد؛ مؤمنان روزی که پروردگارشان را ملاقات می‌کنند از ناحیه او و از ناحیه ملائکه او، به ایشان تحیت و سلام گفته می‌شود، به این معنا که ایشان در روز لقای خدا در امنیت و سلامتی هستند، و هیچ نگرانی، عقاب و عذابی به ایشان نمی‌رسد و اجری بسیار بزرگ و آبرومند برای ایشان آماده کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶/۳۲۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۱/۴۲۴؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۱۶/۱۱۶؛ فضل‌الله: ۱۴۱۹: ۱۸/۳۲۷؛ مراغی، بی‌تا: ۲۲/۱۸؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۲۲/۴۳؛ حجازی، ۱۴۱۳: ۳/۱۰۲) از قبل آماده شدن پاداش‌ها برای مؤمنان نیز نشان دهنده این است که آنها مورد توجه و اعتنا بیش از حد خداوند هستند. (خطیب، بی‌تا: ۱۱/۷۳۰ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷/۳۶۰)

گاهی خداوند از پاداش‌هایی برای مؤمنین سخن می‌گوید که خیره‌کننده و ما فوق علم و تصور همگان است؛ به عنوان مثال در آیات شریفه: «إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ. تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ. فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سجده/۱۵-۱۷) این پاداش‌ها آن قدر بزرگ و خیره‌کننده است که هیچ نفسی از نفوس بشر نمی‌داند که خدا چه پاداش‌هایی که مایه روشنی دیده هر صاحب دیده‌ای است در قبال اعمال نیکی که در دنیا کردند، برای آنها پنهان نموده، و این ندانستن آنها به خاطر این است که آن نعمت‌ها ما فوق علم و تصور آنها

است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۶۳/۱۶؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۳۵/۱۳؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۲۹۳/۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۱۸۳/۶؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۳۶/۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴۸/۱۷؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۲۵/۱۰؛ ملاحویش، ۱۳۸۲: ۳۷۶/۴؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۳۵۰/۵) بنابراین، پادشاهی فوق العاده عظیم که خداوند برای مؤمنین آماده کرده نه دیده‌ای مشاهده نموده و نه گوش شنونده‌ای شنیده و نه در خاطر کسی خطور نموده است.

یکی دیگر از حیرت انگیزترین و عجیب‌ترین پادشاهی مؤمنان، همراه بودن نوری مخصوص آنان در روز قیامت، در آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (تحریم/۸) به آن اشاره شده است؛ عده‌ای از مفسرین این نور را به نور ایمان و عمل (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳۶/۱۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۹۲/۲۴)، عمل صالح و جهاد (فضل الله، ۱۴۱۹: ۳۲۴/۲۲؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۴۴۵/۲۸؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۱۵/۱۶) تفسیر نموده‌اند.

بنابراین، آیاتی که خداوند در آنها برای مؤمنان پادشاهی اختصاصی و حیرت‌انگیز، قرار داده است، از جمله آیاتی هستند که حتی تلاوت آن دل را صفا و جان را نور و ضیا می‌بخشد، پرده‌های یاس و نومیدی را می‌برد، شعاع‌های حیات بخش امید را به قلب می‌تاباند، و به مؤمنان وعده نجات و حل مشکلات می‌دهد.

۵- عدم زوال و نابودی پادشاهی مؤمنان

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های پادشاهی مؤمنان این است که زوال و فنا و جدایی در آن راه ندارد، و آنان برای همیشه از این پادشاهی بهره می‌برند و جاودانه در آن می‌مانند. به عنوان مثال در آیات شریفه: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (مؤمنون/۱-۱۱) ارث بردن مؤمنین از فردوس به معنای این است که فردوس برای مؤمنین

باقی و همیشگی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲/۱۵) و در تصرف کامل مؤمنین خواهد بود. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲۳۹/۱۱؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۶۲۱/۳؛ ملاحویش، ۱۳۸۲: ۳۴۴/۴؛ مراغی، بی تا: ۱۸/۷؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۱۸/۱۴)

هم چنین در آیه شریفه: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه/۷۲)، پاداش مؤمنان را با «جَنَّاتِ عَدْنٍ» توصیف نموده است؛ از آنجایی که عدن به معنای اقامت و استوار و مرکز همه چیزهای ماندنی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۵۳/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۷۹/۱۳؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲۸۱/۶)، لذا «جَنَّاتِ عَدْنٍ» به بهشت‌های ماندنی و از بین نرفتنی، توصیف شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳۹/۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۱۹۸/۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۹۶/۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۸/۸؛ ابن عاشور، بی تا: ۱۵۳/۱۰؛ مراغی، بی تا: ۱۶۱/۱۰؛ طنطاوی، بی تا: ۳۵۰/۶) این آیات شریفه نشان می‌دهد که پاداش‌هایی که خداوند به مؤمنان اختصاص داده، زوال و نابودی در آنها را ندارند و برای همیشه از آنها بهره می‌برند.

۶- رضایت خداوند، نهایت پاداش‌ها و فضیلت‌ها برای مؤمنان

رضایت خداوند از بهشتیان بالاترین آرزوی هر فردی بهشتی است. خداوند در آیاتی از قرآن کریم اشاره می‌کند که رضایت و خشنودی ایشان، نصیب اهل ایمان و مؤمنین می‌شود که این برای آنها نهایت پاداش‌ها و فضیلت‌ها می‌باشد؛ در آیه شریفه: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه/۷۲) رضایت و خشنودی خدا که نصیب مؤمنان راستین می‌شود از همه برتر و بزرگتر است. هیچ کس نمی‌تواند آن لذت معنوی و احساس روحانی را که به یک انسان به خاطر توجه رضایت و خشنودی خدا از او، دست می‌دهد، توصیف کند، حتی گوشه‌ای از این لذت روحانی از تمام بهشت، و نعمت‌ها و

مواهب گوناگون و بی‌پایانش، برتر و بالاتر است. در آیه فوق نیز رضایت خداوند با لفظ نکره بیان شده، بدین معناست که معرفت انسان نمی‌تواند آن را و حدود آن را درک کند، چون رضوان خدا محدود و مقدر نیست تا وهم بشر بدان دست یابد. کمترین رضوان خدا هر چه هم کم باشد از این بهشت‌ها بزرگتر است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳۹/۹) و از همه نعمت‌های بهشت برتر شمرده شده (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۱۹۸/۱؛ فضل‌الله: ۱۴۱۹: ۱۶۲/۱۱؛ ابن عاشور، بی‌تا: ۱۵۳/۱۰؛ خطیب، بی‌تا: ۸۴۴/۵؛ مراغی، بی‌تا: ۱۶۲/۱۰؛ طنطاوی، بی‌تا: ۳۵۰/۶) و این نشان می‌دهد که تا چه حد آن پاداش معنوی پر ارزش و گرانبهاست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۰/۸) پس رضایت خداوند، نهایت و غایت آرزوی مؤمنین است، زیرا هرگاه خداوند از بنده با ایمانش راضی باشد، هرچیزی حتی بهشت را به او اعطاء می‌کند. لذا بهشت هم مظهر رضایت خداوند می‌شود.

هم چنین در آیه شریفه: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ... أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله/۲۲) این آیه وعده جمیلی است که به مؤمنان واقعی داده، و در آن اوصاف حیات طیبه آخرت آنها را ذکر نموده است؛ اوصافی از قبیل: تقویت روح مؤمنان از جانب خداوند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹۶/۱۹) بوسیله تقویت ایمان‌شان (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۵۴۵/۱؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳/۱/۵۵۹؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۲۳/۲۸؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۹۵/۱۵؛ مراغی، بی‌تا: ۲۸/۲۸) و رضایت خداوند از آنان که بزرگترین پاداش روحانی است که به این گروه از مؤمنان داده می‌شود، آنها احساس می‌کنند که خدا از آنان راضی است و این رضایت لذت بخش‌ترین احساسی است که به آنها دست می‌دهد، و نتیجه‌اش خشنودی کامل آنها از خدا است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۷۱/۲۳؛ طیب، ۱۳۷۸: ۴۶۵/۱۲) که هرگز از آنجا دور نمی‌شوند و برای همیشه در آن ماندگارند. (ملاحویش،

۱۳۸۲: ۲۱۴/۶؛ مراغی، بی تا: ۲۸/۲۸؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۵۹/۲۸؛ طنطاوی، بی تا: ۲۷۵/۱۴
مخصوص ایمان آورندگان به خداوند و روز قیامت می باشد.

۷- مؤمنان، شاهدان روز قیامت

یکی از ویژگی های افراد با ایمان، بنابر آیه شریفه: «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ» (حدید/۱۹) گواهان اعمال بر مردم در روز قیامت هستند. بدین معنا که مؤمنان در قیامت منزلتی همانند منزلت صدیقین و شهداء دارند. (قاسمی، ۱۴۱۸: ۱۴۹/۹) و شهداء نیز با استناد به آیه شریفه: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء/۶۹) عبارتند از کسانی که گواهان اعمال مردم در روز قیامتند، نه کشته شدگان در راه خدا. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۶۳؛ خسروانی، ۱۳۹۰: ۱۹۸/۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳/۳۴۹؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۲۷/۳۱۷) دلیل دیگری هم تصدیق می کند که منظور از شهدا، گواهان اعمال بر مردم در روز قیامت هستند، واژه «الصَّادِقُونَ» در آیه شریفه فوق می باشد؛ زیرا آنان کسانی اند که علمش گفتارش را تصدیق می کند، و نمونه کامل صداقت است. و بدین جهت این شایستگی را دارند که از گواهان روز قیامت باشند. بنا بر این مقام شهداء (گواهان بر اعمال) مقام والایی است که یکی از پاداش های اخروی مؤمنان است.

۸- امنیت، هدایت، آرامش قلبی و ثبوت قدم، نتیجه ایمان مؤمنان

با توجه به آیه شریفه: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهُتَدُونَ» (انعام/۸۲)، هدایت و امنیت که همان ایمنی از گناهان و دوری از عذاب و شقاوت می باشد، نتیجه ایمان مؤمنان خواهد بود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷/۲۱۰؛ مصطفوی، ۱۳۸۰: ۸/۶۵؛ ملاحویش، ۱۳۸۲: ۳/۳۶۸؛ مراغی، بی تا: ۷/۱۷۸؛ طنطاوی، بی تا: ۵/۱۱۵؛

زحیلی، ۱۴۲۲: ۵۷۴/۱) تا در پناه این هدایت و امنیت به آرامش روحی برسند و از ناراحتی و عذاب در امنیت باشند. در این صورت است که مؤمنان به محیط امن پروردگار وارد شده، و از هر گونه ناملائمات ایمن خواهد بود. و نتیجه آن این است که از عذاب آخرت نمی‌ترسند و به سوی حق هدایت یافته در دنیا و آخرت، می‌باشند. که این هدایت و امنیت فضل و بخششی از جانب خداوند برای مؤمنان است.

هم چنین با توجه به آیه شریفه: «وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (نغابن/۱۱) ایمان به خدای یگانه قلب مؤمنین را به سوی خداوند هدایت می‌کند که نتیجه آن، آرامش و سکون قلب است به طوری که دیگر دچار اضطراب نمی‌شود. که نتیجه این ایمان باعث شکر در نعمت، صبر در مصیبت و تسلیم در برابر قضای الهی می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹۹/۲۴) هم چنین بعضی گفته‌اند، خداوند قلب مؤمن را بر ایمان ثابت و استوار می‌گرداند و به مقام عالی رضا و تسلیم هدایت می‌کند. (حسینی، ۱۳۶۳: ۱۹۷/۱۳؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۱۷۱/۷) در مواردی نیز منظور از هدایت مؤمنین، هدایت به صراط مستقیم که آنها را به بهشت ابدی می‌رساند، می‌باشد؛ مانند هدایت در آیه شریفه: «فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا» (نساء/۱۷۵)، هدایتی خاص مؤمنان که آنها را به سعادت در دنیا و عزت و کرامت در آخرت می‌رساند. البته هدایت قلبی معنی وسیعی دارد و تمامی موارد ذکر شده را شامل می‌شود و هر کدام مصادیقی از هدایت هستند. پس منظور از «يَهْدِ قَلْبَهُ»، هدایت مطلق می‌باشد.

هم چنین در آیه شریفه: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» (ابراهیم/۲۷) نتیجه ایمان مؤمنانی که اگر بر ایمان خود ثابت بمانند و استقامت به خرج دهند، این است که خداوند هم، ایشان را در دنیا و آخرت بر همان ایمانشان ثابت قدم می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۳/۱۲) مفسرین در معنای «قول ثابت» اختلاف نظر دارند؛ بعضی گفته‌اند که منظور از آن کلمه توحید (لا اله الا الله) می‌باشد، (صادقی تهرانی،

۱۴۱۹: ۲۵۹/۱؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۳۵۶/۸؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۳۰۰/۵؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۱۵۰/۴ جعفری، بی تا: ۶۱۰/۵؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۴۰۳/۵؛ مراغی، بی تا: ۱۵۰/۱۳؛ زحیلی، ۱۴۲۲: ۱۱۹۶/۲) و بعضی دیگر به ایمان تفسیر کرده‌اند. (ملاحویش، ۱۳۸۲: ۲۸۱/۴) که حقیقت همه آنها به همان کلمه توحید برمی‌گردد.

۹- رستگاری و پیروزی، پاداش صبرمؤمنان

خداوند در آیات شریفه: «إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَأَمِنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ.....إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ» (مؤمنون/۱۰۹-۱۱۱)، رستگاری در بهشت و پیروزی همراه سعادت و سلامتی که بزرگتر از آن وجود ندارد را که نتیجه صبر مؤمنان است را به آنها پاداش می‌دهد. (حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۳۶۱/۱؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۳۴۹/۱؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۱۰۹/۱۸؛ طنطاوی، بی تا: ۶۷/۱۰) با توجه به معنای واژه فوز (پیروزی به خیر با حصول سلامتی) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۷/۱)، لذا مؤمنان رستندگان به خیر هستند با سلامتی از احوال قیامت. به عبارتی دیگر، مؤمنان در رسیدن به خواسته خودشان که همان رحمت خداوند باشد، پیروزند. پس مؤمنین علاوه بر ایمان و تقوایی که دارند، در اثر صبرشان، خداوند به آنان پاداش جداگانه‌ای می‌دهد. بعضی از مفسرین مراد از «فوز» را به رضایت خداوند که نهایت پاداش‌هاست، نیز تفسیر نموده‌اند. (ملاحویش، ۱۳۸۲: ۳۶۹/۴؛ خطیب، بی تا: ۱۱۸۰/۹)

۱۰- بهشتی به وسعت آسمان‌ها و زمین، پاداش مؤمنان

خداوند در آیاتی پاداش مؤمنان را بهشتی به پهنا و وسعت آسمان‌ها و زمین، به آنان وعده داده است؛ به عنوان مثال در آیه شریفه: «سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (حدید/۲۱) وسعت بهشت را به پهنای آسمان و زمین توصیف کرده

است. هم‌چنان که بشر وسعت و فضای کرات بیکران جهان را نفهمیده و نمی‌تواند به آن احاطه بیابد هم‌چنین وسعت بهشت نیز غیر قابل تحدید است. مراد از عرض بهشت، بیان نهایت وسعت و اندازه بهشت می‌باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶۵/۱۹؛ طیب، ۱۳۷۸: ۴۳۶/۱۲؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۵۴۰/۱؛ مغنیه، بی‌تا: ۷۲۲/۱؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۳۹/۲۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۶۰/۲۳؛ ابن عاشور، بی‌تا: ۳۶۷/۲۷) که این پاداش‌ها از راه تفضل است نه استحقاق (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶۶/۱۹؛ طیب، ۱۳۷۸: ۴۳۶/۱۲؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۵۵۴/۱؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۳۵/۱۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۲۵۲/۷؛ ملاحویش، ۱۳۸۲: ۱۵/۶؛ مراغی، بی‌تا: ۱۷۸/۲۷) زیرا فضل خداوند نیز مانند رحمتش بی‌حد و حصر است.

در آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ... إِنَّ تَجْتَبَؤْا كَبَائِرَ مَا تَنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا» (نساء/۲۹-۳۱) مؤمنان را به منزلگاهی گرامی وعده داده است. مفسرین مراد از مدخلی کریم را به محلی که در آن انسان گرامی داشته می‌شود (حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۹۴/۱؛ بلاغی، ۱۴۲۰: ۱۰۰/۲؛ کرمی حویزی، ۱۴۰۲: ۲۱۶/۲؛ ملاحویش، ۱۳۸۲: ۵۴۸/۵؛ ابن عاشور، بی‌تا: ۱۰۳/۴)، بهشت و یا مقام قرب الهی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۲۴/۴؛ طیب، ۱۳۷۸: ۶۶/۴؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۳۵۱/۲؛ مغنیه، بی‌تا: ۱۰۵/۱۰؛ فضل الله، ۱۴۱۹: ۲۱۲/۷؛ مراغی، بی‌تا: ۲۲/۵) تفسیر شده است که همه به یک حقیقت-بهشت- برگشت داده می‌شود.

۱۱- استغفار و دعای ملائکه حامل عرش برای مؤمنان

مؤمنان در نزد خداوند متعال از جایگاهی بس ارزشمند برخوردارند؛ در آیه شریفه: «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ

الْجَحِيمِ». رَبَّنَا وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.» (غافر/۷-۸)

ملائکه‌ای که حامل عرش تدبیر الهی‌اند، با آن عظمت و قربی که نزد خداوند دارند، از ایشان می‌خواهند تا هر کس را ایمان آورده بیامزد و برای آنها طلب مغفرت نموده. و هر کس از ایشان و پدران و همسران و فرزندان ایشان که صلاحیت داخل شدن بهشت را دارند، داخل بهشت‌های عدن بفرما. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۸/۱۷؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲۹۴/۱۴؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۴۸۰/۱؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۱۰۸/۶) حاملان عرش الهی، چون مؤمنین مورد رحمت خدا و نظر لطف او می‌باشند، ثناگوی مؤمنان هستند و از خداوند برای آنها بهترین درجات را خواستارند و پیوسته برای اهل ایمان دعا می‌کنند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۴۴۰/۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۷/۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۹/۲۰؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۴۰۷/۲۵؛ امین، ۱۳۶۱: ۲۵۳/۱۱؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۲۸/۱۲؛ ملاحویش، ۱۳۸۲: ۵۷۰/۳؛ خطیب، بی‌تا: ۱۲۰۹/۱۲؛ مراغی، بی‌تا: ۴۷/۲۴؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۸۰/۲۴؛ سیدبن قطب، ۱۴۱۲: ۳۰۷۰/۵)

نتیجه

مؤمنان در نزد خداوند متعال از جایگاهی بس ارزشمند برخوردارند؛ گاهی خداوند پاداش‌هایی به مؤمنان می‌دهد که مخصوص آنها می‌باشد که آنها را به سعادت در دنیا و عزت و کرامت در آخرت می‌رساند که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده است. نتایجی که از بازخوانی موضوعی پاداش‌های مؤمنان از دیدگاه مفسران عصری حاصل شد، عبارتند از:

۱. خداوند بلند مرتبه در تحقق وعده پاداش به مومنان، ضمانت آن را خودبرعهده گرفته است. که این ضمانت الهی موجب دلگرمی مایه روشنی چشم مؤمنان است.
۲. خداوند در آیاتی از قرآن کریم که درباره پاداش مؤمنان، به نزول فراوان پاداش‌ها و برکات، مختص مؤمنان، اشاره می‌کند که برای آنها نزد پروردگارشان درجات و

پادشاهی‌هایی اختصاصی است که برای دیگران نیست که این پادشاه‌ها زوال و نابودی در آنها راه ندارد.

۳. خداوند برای مؤمنان، پادشاهی اختصاصی قرار داده که از امیدبخش‌ترین و حیرت‌انگیزترین وعده‌های خداوند خاص مؤمنان است؛ پادشاهی از قبیل: قرار دادن راه نجاتی از تنگنای مشکلات، قرار دادن وسیله تشخیص حق از باطل برای مؤمنان، رفعت مقام و تکریم اهل ایمان، تحیت و سلام از ناحیه خداوند برای مؤمنین، شاهدان روز قیامت، استغفار و دعای ملائکه حامل عرش خداوند برای اهل ایمان و ملائکه و همراه بودن نوری مخصوص مؤمنان در روز قیامت. این پادشاه‌ها بالاترین فضیلت از فضائل انسانی بشمار می‌رود.

۴. رضایت خداوند از بهشتیان بالاترین آرزوی هر فردی بهشتی است. خداوند در آیاتی از قرآن کریم اشاره می‌کند که رضایت و خشنودی ایشان، نصیب اهل ایمان و مؤمنین می‌شود که این برای آنها نهایت پادشاه‌ها و فضیلت‌ها می‌باشد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی
۲. ابن عاشور، محمدین طاهر. (بی‌تا). التحریر و التنویر، بی‌جا، بی‌نا.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرّم. (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ سوم.
۴. امین، سیده نصرت. (۱۳۶۳). مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.
۵. آل‌سعدی، عبدالرحمن بن ناصر. (۱۴۰۸). تیسیرالکریم الرحمن، بیروت، مکتبه النهضه العربیة، چاپ دوم.
۶. بروجردی، سید ابراهیم. (۱۳۶۶). تفسیرجامع، تهران، انتشارات صدر، چاپ ششم.
۷. بلاغی نجفی، محمدجواد. (۱۴۲۰). تفسیرآلاء الرحمن فی تفسیرالقرآن، تهران، بنیادبعثت، چاپ اول.
۸. ثقفی‌تهرانی، محمد. (۱۳۹۸). تفسیر روان جاوید، تهران، انتشارات برهان، چاپ سوم.
۹. جعفری، یعقوب. (بی‌تا). تفسیرکوثر، (بی‌جا)، (بی‌نا).

۱۰. حجازی، محمود محمد. (۱۴۱۳). تفسیر الواضح، بیروت، دارالجلیل الجدید، چاپ دهم.
۱۱. حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۳). تبیین القرآن، بیروت، چاپ دوم.
۱۲. حسینی همدانی، سید محمد حسین. (۱۴۰۴). تفسیر انوار درخشان، تهران، کتاب فروشی لطفی، چاپ اول.
۱۳. حسینی، حسین بن احمد. (۱۳۶۳). تفسیر اثنا عشری، تهران، انتشارات میقات، چاپ اول.
۱۴. خسروانی، علیرضا. (۱۳۹۰). تفسیر خسروی، تهران، انتشارات اسلامیة، چاپ اول.
۱۵. خطیب، عبدالکریم. (بی تا). تفسیر القرآن للقرآن، بی جا، بی نا.
۱۶. دروزه، محمد عزة. (۱۳۸۳). التفسیر الحدیث، دار احیا الکتب العربیة.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم، چاپ اول.
۱۸. زحیلی، وهبة بن مصطفى. (۱۴۱۸). التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت، دارالفکر المعاصر، چاپ دوم.
۱۹. زحیلی، وهبة بن مصطفى. (۱۴۲۲). تفسیر الوسیط، دمشق، دارالفکر، چاپ اول.
۲۰. سبحانی، جعفر. (۱۴۲۸). مفاهیم القرآن. قم، مؤسسه الامام الصادق، چاپ اول.
۲۱. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. (۱۴۰۶). الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول.
۲۲. سیدین قطب، ابراهیم شاذلی. (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق، چاپ هفدهم.
۲۳. شریف لاهیجی، محمد بن علی. (۱۳۷۳). تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر داد، چاپ اول.
۲۴. صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۱۹). البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات مؤلف، چاپ اول.
۲۵. طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۲۶. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
۲۷. طنطاوی، سید محمد. (بی تا). تفسیر الوسیط للقرآن الکریم، (بی جا)، (بی نا).
۲۸. طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم.
۲۹. علوی مهر، حسین. (۱۳۸۴). آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.

۳۰. فضل‌الله، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۹). تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک للطباعة والنشر، چاپ دوم.
۳۱. قاسمی، محمدجمال‌الدین. (۱۴۱۸). محاسن التأویل، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۳۲. قرشی، سید علی‌اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیادبعثت، چاپ سوم.
۳۳. کریمی حویزی، محمد. (۱۴۰۲). التفسیر لکتاب الله المنیر، قم، چاپخانه علمیه، چاپ اول.
۳۴. مدرس، سید محمدتقی. (۱۴۱۹). من هدی القرآن، تهران، دارمحبی الحسین، چاپ اول.
۳۵. مراغی، احمدبن مصطفی. (بی‌تا). تفسیرالمراغی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۳۶. مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰). تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، چاپ اول.
۳۷. معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۹). تفسیر و مفسران، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، چاپ دوم.
۳۸. مغنیة، محمدجواد. (بی‌تا). التفسیر المبین، قم، بنیاد بعثت.
۳۹. مغنیة، محمدجواد. (۱۴۲۴). تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ اول.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). پیام قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ اول.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ اول.
۴۲. ملاحویش، عبدالقادر. (۱۳۸۲). بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی، چاپ اول.
۴۳. نجفی خمینی، محمدجواد. (۱۳۹۸). تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیة، چاپ اول.